

بسم الله الرحمن الرحيم

صدقة فطر و كفارات به اساس قيمت ها و پول نقد



(ترجمه)

به جواب بکر ساعد

پرسش:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

حکم ادای صدقه فطر و كفارات مانند كفارة یمین و كفارة ظهار به اساس قيمت و پول نقد چی می باشد؟ آیا قيمت صدقه فطر و كفارات جائز است که برای یک مسکین داده شود و یا این که لازم است که طبق الله سبحانه و تعالی در قرآن کریم تعیین نموده که در كفارة یمین به ده مسکین داده شود و در كفارة ظهار به شصت مسکین؟ الله سبحانه و تعالی برای شما برکت دهد.

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

شما در خصوص دو مسأله سوال نمودید:

اول: آیا پرداخت قيمت در صدقه فطر و كفارات در عوض اشياء که در نصوص شرعی ذکر شده مانند طعام دادن و پوشانیدن و مانند آن جائز است و یا خیر؟

سوال دوم: آیا قیمت برای یک مسکین داده شود، مانند که در نصوص وارد شده برای اشخاص معین از مساکین پرداخته شود، و یا لازم است که به تعداد مساکینی که در نصوص تعیین شده پایبندی شده و کل قیمت برای یک مسکین داده نشده، بلکه برای مساکینی که در نصوص تعدادشان ذکر شده پرداخت گردد؟

1 - در خصوص سوال اول باید گفت که علماء در جزئیات پرداخت قیمت اختلاف کردند، یعنی بعضی علماء به این نظر اند که در احادیث وارد شده است:

- بخاری از نافع ابن عمر رضی الله عنه تخریح نموده که گفته است:

«فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَدَقَةَ الْفِطْرِ صَاعاً مِنْ شَعِيرٍ أَوْ صَاعاً مِنْ تَمْرٍ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْحَرِّ وَالْمَمْلُوكِ»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم صدقه فطر را یک صاع از جو و یا یک صاع از خرما فرض کرده خواه شخص صغیر باشد و یا کبیر، آزاد باشد و یا برده.

ترمذی نیز این حدیث را تخریح نموده با زیادت «عَلَى الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى... قَالَ فَعَدَلَ النَّاسُ إِلَى نِصْفِ صَاعٍ مِنْ بُرٍّ» یعنی بر مرد و زن... گفته است بعداً مردم به نصف صاع از گندم عدول کردند.

- و یا این که صدقه فطر به قیمت نقدی به تقدیر و اندازه و در برابر عین چیزی که در احادیث ذکر شده به پول نقد پرداخت شود... نظر راجح در نزد ما همان نظری است که در کتاب اموال در کتاب دولت خلافت ذکر شده؛ موضوعی که از جواز پرداخت قیمت خبر می دهد و این مسأله به دلیل آن است که به اساس دلائل ذیل پرداخت قیمت در زکات جائز است:

۱- در صفحه ۱۵۰ و ۱۵۱ کتاب فایل ورد کتاب دولت خلافت آمده است: «زکات در زروع، میوه جائز است که در بدل اخذ عین زروع و میوه از قیمت آن گرفته شود، نقد باشد و یا غیر نقد و این به دلیل روایتی است که عمرو بن دینار از طاوس شده است:

«أَنَّ النَّبِيَّ بَعَثَ مُعَاذًا إِلَى الْيَمَنِ فَكَانَ يَأْخُذُ الثِّيَابَ بِصَدَقَةِ الْجَنْطَةِ وَالشَّعِيرِ»

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم معاذ را به سوی یمن فرستاد و او لباس را در عوض گندم و جو به عنوان زکات می گرفت. (این حدیث را ابو عبید روایت کرده است)

از معاذ در خصوص نفس زکات روایت شده که او کالا را در برابر زکات می گرفت و این در این قول اش واضح شده است:

«إِيتُونِي بِخَمِيسٍ أَوْ لَبِيسٍ آخِذَهُ مِنْكُمْ مَكَانَ الصَّدَقَةِ، فَإِنَّهُ أَهْوَنُ عَلَيْكُمْ وَأَنْفَعُ لِلْمُهَاجِرِينَ بِالْمَدِينَةِ»

ترجمه: خمس و یا لباس های کار کرده خود را بدهید که آنها را در برابر زکات از شما می گیرم، زیرا این برای شما آسان تر و برای مهاجرین مفیدتر است.

در سنت آمده است که از رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب آن روایت شده که گاهی حق در مال ثابت می شود، سپس به غیر آن رجوع می شود، به چیزی که برای دهنده آن نسبت به اصل مال آسان تر می باشد؛ به همین دلیل نامه ای رسول الله صلی الله علیه و سلم در خصوص جزیه به معاذ در یمن وجود دارد:

«أَنَّ عَلَى كُلِّ حَالِمٍ دِينَاراً أَوْ عِدْلَهُ مِنَ الْمُعَافِرِ»

ترجمه: بر هر شخص بالغ یک دینار و یا به اندازه آن از لباس های یمنی است. (این حدیث را ابوداود روایت کرده است)

پس رسول الله صلی الله علیه و سلم کالا را در جای عین قرار داده است، یعنی گرفتن لباس در جای طلا و از همین باب است نامه که به اهل نجران فرستاد:

«أَنَّ عَلَيْهِمُ الْفِي حُلَّةٍ فِي كُلِّ عَامٍ، أَوْ عِدْلَهَا مِنَ الْأَوَاقِي»

ترجمه: بر ایشان لازم است که دو هزار جامه بدهند و یا معادل آن از ظروف پرداخت نمایند. (این حدیث را ابو سعید روایت کرده است)

ابن قدامه در مغنی ذکر کرده است که عمر رضی الله عنه شتر را در عوض طلا و نقره می گرفت، چنانچه علی رضی الله عنه سوزن، تناب، و مایعات را در جزیه در عوض طلا و نقره می گرفت. « ختم شد.

در صفحه ۱۵۹ کتاب اموال در دولت خلافت آمده است: «از طلا به طلا زکات گرفته شود و هم چنان به اوراق که قائم مقام طلا قرار دارد و یا به اوراق وثیقه زکات گرفته می شود. هم چنان از نقره به نقره زکات گرفته شود و یا به اوراق که قائم مقام نقره قرار دارد و یا اوراق وثیقه زکات گرفته می شود، چنانچه جائز است که از طلا به نقره زکات گرفته و به اوراق که در یک جامعه الزام شده و از نقره به نقره زکات گرفته شود و هم چنان به اوراق الزامی زیرا تمامی این پولها قیمت گرفته می شود؛ پس بعضی در عوض بعض دیگر جائز است و جائز است که بعض این پولها در عوض پول دیگر به عنوان زکات پرداخت گردد، چون هدف تحقق پیدا می یابد. دلائل اخذ قیمت در بدل عین مالی که در آن زکات واجب شده در باب زکات زورع و میوه جات ذکر و گذشته است.» ختم شد.

بناءً من ترجیح می دهیم که پرداخت زکات فطر به قیمت نقدی و یا با اخراج عین آن مال جائز است؛ چنانچه در احادیث شریفه ذکر شده است.

ج- برای معلومات بیشتر باید گفت که در آن خصوص نظریات فقهاء وجود دارد که از جمله نظریات فقهاء قرار ذیل است:

- علمای احناف به این نظر اند که واجب در صدقه فطر نصف صاع از گندم یا آرد، تلخان، کشمش، و یا یک صاع از خرما و یا جو می باشد؛ اما خصوصیت و صفت مالی که به عنوان صدقه فطر پرداخت می شود، این است که مال متقوم است؛ نه این که او مال عین است؛ پس جائز است که از تمام این اموال متقوم قیمت آن از درهم، دینار، پول، کالای تجاری و یا هر چیزی که شخص خواست پرداخته شود.» اما سرخسی در صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸ جلد ۳ کتاب المبسوط گفته است: «اگر شخص قیمت گندم را پرداخت نمود، در نزد ما جائز است، زیرا معتبر حصول بر آوردن نیاز بوده و بر آوردن نیاز با پرداخت قیمت نیز حاصل می شود؛ چنانچه که این هدف با پرداخت گندم بر آورده می شود. این مذهب حنفیه است و به این قول عمل شده و فتوای مذهب شان نیز بر این قول است که در زکات هر چیزی و در کفارات، نذر، خراج و غیره پرداخت قیمت جائز است.
- عمر ابن عبدالعزیز به این نظر است که پرداخت قیمت نیز جائز است، از وکیع از قره روایت است که گفت: نامه عمر ابن عبدالعزیز در خصوص صدقه فطر برای ما آمد که نصف صاع از هر شخص پرداخت شود و یا قیمت نصف صاع از قیمت آن به حساب درهم پرداخته شود. و این آثار را امام ابوبکر ابن ابی شیبه در صفحه ۳۹۸ جلد ۲ تصنیف اش تحریر نموده است.

بناءً واجب نیست که حتماً از عین اشیاء که در نصوص وارد شده زکات و صدقه فطر پرداخت شود؛ بلکه پرداخت قیمت این اشیاء نیز جائز است، چنانچه دلائل شرعی آن در فوق ذکر شد.

2 - اما نسبت به سوال دوم شما باید گفت که علماء در این خصوص نیز اختلاف کردند؛ نظری که من آن را ترجیح می دهیم این است که

وقتی نص به عدد مشخص از مساکین ذکر شده:

﴿فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ﴾ [مانده: 89]

ترجمه: کفاره آن طعام دادن به ده مسکین از متوسط طعامی است که به خانواده خود می دهید و یا پوشاک آنان می پوشانید.

﴿فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا﴾ [مجادله: 4]

ترجمه: پس کسی که توان نداشت شصت مسکین را سیر کند.

پس در این صورت پایبندی به همان عدد ده و شصت که در نصوص ذکر شده لازم است، خواه پرداخت عین باشد و یا قیمت آن، زیرا عدد در این نصوص هدف است. پس این یک قید لازمی است، اما در صورتی که نصوص پرداخت برای مساکین را بدون ذکر عدد طلب می‌نمود، پس در آن صورت جائز بود که کل آن برای یک نفر پرداخت شود؛ چون قید عدد در آنجا وجود نداشت و هم‌چنان جائز بود که بیش‌تر از آن پرداخت شود مانند این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً

مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [توبه: 60]

ترجمه: صدقات منحصرًا برای فقیران و درماندگان و مأمورین وصول آن و جذب و برای آزاد کردن اسیران و وامداران و در راه الله (سبحانه و تعالی) و فرزندان سبیل است فریضه‌ای است از جانب الله (سبحانه و تعالی) و یقیناً که او (تعالی) دانای با حکمت است.

پس برای زکات دهنده جائز است که زکات‌اش را برای یک مسکین پرداخت کند و هم‌چنان جائز است که برای مساکین زیادی تقسیم کند؛ زیرا در آیه عدد معین وارد نشده، بلکه لفظ مساکین بدون ذکر عدد ذکر شده است؛ اما در این آیه این مسأله در نظر گرفته می‌شود که پرداخت زکات برای این مردم به دلیل وصف مسکنت شان است. پس حد نهائی برای پرداخت زکات خواه یک نفر باشد و یا بیش‌تر، به اندازه‌ای است که آن‌ها را از زکات گرفتن غنی بگرداند؛ یعنی غیر مستحق شده و از وصف مسکنت بیرون شوند و پرداخت بیش‌تر از این حد برای شان جائز نبوده و طبیعی است که این مقدار نسبت به اشخاص و حالات متفاوت است، این چیزی است که من آن را ترجیح می‌دهم و الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و با حکمت‌تر است.

برادرتان عطاء ابن خلیل ابوالرشته

۲۸ رمضان ۱۴۴۳ ه.ق.

۲۹ اپریل ۲۰۲۲ م.

مترجم: مصطفی اسلام